



## لوله‌های نفت و گاز دریای خزر از ایران می‌گذرد؟

نرسی قربان

است. در عین حال، مبارزه طرف‌های ذی‌نفع در تعیین مسیرهای خطوط لوله برای کسب امتیازهای سیاسی کاملاً مشهود است. روس‌ها با منحصر کردن تمام مسیرهای صادرات از سرزمین خود مایلند که نفوذ و کنترل سنتی خود را بر کشورهای تازه استقلال یافته حفظ کنند. از طرف دیگر، ایالات متحده که به عنوان رقیبی جدید وارد منطقه شده است، سعی دارد که خط لوله از ایران عبور نکند.

در حالی که سیاست، همواره عامل تعیین‌کننده نتیجه بسیاری از مسائل در این منطقه بوده است، نباید این واقعیت را نادیده گرفت که در اوضاع و احوال موجود، عوامل اقتصادی نیز نقش مهمی در نتیجه ایفا خواهند کرد. در این مقاله سعی می‌شود توجه به این واقعیت جلب شود که ایران منطقی‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر، برای صادرات نفت و گاز از منطقه‌ی خزر است. در واقع خصومت سیاسی آمریکا نسبت به ایران، اقتصادی‌ترین مسیر صادرات نفت و گاز از آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را مسدود کرده است. این موضوع، کشورهای یاد شده را از حداکثر بهره‌وری درآمد نفت و گاز خود محروم خواهد کرد و نیز با اساسی‌ترین اصول بازارهای

رویدادهای سیاسی اخیر در اتحاد جماهیر شوروی سابق موجب تغییر نقشه آسیا و اروپا شده است. کشورهای تازه استقلال یافته آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که همگی از صاحبان منابع غنی گاز و نفت به شمار می‌روند، در آسیای مرکزی و غربی قرار دارند. این ناحیه همچنین راه را برای استخراج نفت و گاز از منابع وسیع دریای خزر هموار ساخته است؛ هرچند مذاکرات میان دولت‌ها در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر کماکان در جریان است. در طول شش سال گذشته نیز شرکت‌های بین‌المللی نفت، تمایل قابل توجهی به استخراج نفت و گاز این منطقه نشان داده‌اند. بدیهی است که صادرات نفت و گاز از کشورهایی که به دریای آزاد راه ندارند، مستلزم همکاری کشورهای دیگر و همچنین احداث خطوط لوله پرهزینه نفت و گاز است. پیوندهای فرهنگی ایران با مردم آسیای مرکزی و غربی که به قرن‌ها قبل از منزوی شدن آنان توسط اتحاد جماهیر شوروی برمی‌گردد؛ به سرعت در حال رشد است و نقش مهمی را در توسعه آینده این منطقه ایفا می‌کند. کشور ایران در مناسب‌ترین موقعیت جغرافیایی برای ارتباط این کشورهای درونی و دور از کرانه به دنیای بیرونی قرار گرفته

آزاد که مورد حمایت ایالات متحده نیز هست، مغایرت دارد.

نمی‌توان به سادگی از منافع بالقوه‌ای همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت و گاز در منطقه چشم پوشید. اجرای پروژه‌های تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی گاز نه تنها مقرون به صرفه خواهد بود؛ بلکه می‌تواند همبستگی اقتصادی و ثبات سیاسی را در این بخش از جهان افزایش دهد. در این خصوص، همکاری میان ایران، ترکمنستان و قزاقستان در توسعه یک شبکه‌ی منطقه‌ای صادرات گاز به بازارهای بالقوه مصرف، مفید خواهد بود.

### معاوضه (سوآپ) نفت

ایران تولیدکننده و مصرف‌کننده عمده انرژی در منطقه است. تولید انرژی در ایران حدوداً معادل ۵ میلیون و مصرف آن معادل ۱/۶ میلیون بشکه نفت در روز است. اکثر مناطق تولیدکننده نفت و گاز در جنوب ایران قرار دارند، در حالی که عمده‌ترین مناطق مصرف‌کننده در شمال و مرکز این کشورند. تقریباً ۷/۸ میلیون بشکه نفت در روز از چاه‌های نفت جنوب ایران به پالایشگاه‌های اصفهان، تهران، اراک و تبریز فرستاده می‌شود. بخش اعظم ۴۰ میلیارد مترمکعب گاز مصرفی در سال نیز از جنوب به شمال ارسال می‌شود. شرکت‌های بین‌المللی نفتی به امتیاز استفاده از ایران برای صدور بخشی از نفت تولید شده در حوزه خزر پی برده‌اند و اگر سیاست‌های تحریم ایران وجود نداشت، بیشتر نفت منطقه از طریق ایران صادر می‌شد.

مزایای عمده اقتصادی صادرات نفت از طریق ایران عبارت است از: موقعیت جغرافیایی آن از نظر هم‌جواری، افزایش تقاضای داخلی فرآورده‌های نفتی و وجود شبکه گسترده خطوط لوله نفت خام، گاز و فرآورده‌های نفتی. ایران از لحاظ جغرافیایی کشوری منحصر به فرد در منطقه است؛ هم نزدیک به ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان دارد و هم از طرف شمال و غرب با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، نخجوان و ترکیه هم‌مرز است. شبکه خط لوله نفت و گاز این کشور به فاصله ۲۰۰ کیلومتری این کشورها قرار دارد. نیمه شمالی کشور با جمعیتی بیش از ۵۰ میلیون نفر که معمولاً زمستان‌های سردی دارد، متقاضیان فرآورده‌های نفتی است و اگر روند فعلی مصرف فرآورده‌های نفتی ادامه یابد، ایران باید پالایشگاه‌های بیشتری در این بخش از کشور ایجاد کند.

پالایشگاه‌های تهران و تبریز منطقی‌ترین خروجی‌های نفت خام آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان هستند. استدلال معاوضه نفت (سوآپ) نیز بر همین اساس است. ایران از نفت خام این کشورها در تأمین پالایشگاه‌های خود در مقابل صدور نفت خام از خلیج فارس استفاده می‌کند. قرار سوآپ سریع‌ترین و ارزان‌ترین راه حل برای مشکل صادرات بخشی از نفت تولید شده در منطقه خواهد بود. نفت خام را می‌توان به بنادر انرژی و نکا حمل کرد و از آنجا به پالایشگاه‌های ایران انتقال داد. این پروژه را می‌توان در سه مرحله به انجام رسانید.

مرحله اول: ساخت تقریباً ۱۲۰ کیلومتر خط لوله از بندر انرژی به نقطه‌ای که خطوط لوله نفت خام موجود، روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت را به پالایشگاه تبریز منتقل می‌کنند. در صورتی که خط لوله‌ای برای اتصال این بندر به خط لوله موجود ساخته شود، می‌توان روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت به پالایشگاه تبریز در شمال و به همین مقدار به طرف جنوب، به پالایشگاه تهران منتقل کرد. همچنین خط لوله‌ای وجود دارد که پالایشگاه تهران را به بندر نکا متصل می‌کند. این خط لوله را می‌توان با اصلاحات کوچکی به صورت معکوس درآورد تا حمل ۱۲۰ هزار بشکه نفت خام در روز از نکا به پالایشگاه تهران را برعهده بگیرد. در توافق جاری با قزاقستان از این خط لوله برای معاوضه نفت به میزان ۴۰ هزار بشکه در روز استفاده می‌شود. بنابراین می‌توان روزانه ۳۲۰ هزار بشکه نفت را به پالایشگاه‌های تهران و تبریز منتقل کرد و به همین مقدار از جزیره خارک در خلیج فارس به صورت معاوضه‌ای (سوآپ) صادر کرد. هزینه اجرای این طرح احتمالاً

کمتر از ۱۵۰ میلیون دلار و بیشتر آن به واحد پول کشور، یعنی ریال خواهد بود.

مرحله دوم: هنگامی که این پروژه تکمیل شود و نفت پالایشگاه‌های تهران و تبریز از حوزه خزر تأمین شود، خط لوله‌ای که در حال حاضر نفت را به پالایشگاه می‌برد، خالی می‌شود. در مرحله دوم پروژه، با استفاده از ظرفیت این خط لوله، می‌توان نفت بیشتری از تولیدکنندگان خزر گرفت تا در پالایشگاه‌های اصفهان یا ظرفیت ۲۲۰ هزار و اراک ۱۵۰ هزار بشکه در روز تصفیه شوند. در این مورد باید کار زیربنایی بیشتری انجام گیرد و خطوط لوله اضافی ساخته شود. هزینه این امر حدود ۳۵۰ میلیون دلار تخمین زده شده است و این شبکه می‌تواند تقریباً ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز را از کشورهای آسیای مرکزی و غربی جذب کند. به این نکته باید توجه داشت که شرکت‌های ایرانی که در حال حاضر در صنعت نفت ایران فعال هستند، می‌توانند بخش اعظم این طرح را برعهده گیرند و بیشتر این هزینه به ریال خواهد بود.

مرحله سوم: در این مرحله، از ظرفیت خطوط لوله‌ای که نفت را به پالایشگاه‌های اصفهان و اراک می‌آورند، برای رساندن نفت بیشتر از شبکه خطوط لوله ایران استفاده خواهد شد. در این مرحله صدها کیلومتر خط لوله جدید باید ساخته شود که به میزان تولیدی که انتظار می‌رود از حوزه خزر صادر می‌شود، خطوط لوله متناوب در حال ساخت و ملاحظات سیاسی منطقه‌ای بستگی خواهد داشت. همچنین ایران و ترکمنستان می‌توانند در شمال ایران اقدام به ایجاد یک پالایشگاه مشترک کنند، پالایشگاهی که بتواند روزانه بیش از ۱۰۰ هزار بشکه نفت ترکمنستان را تصفیه کند تا در قسمت شمال شرقی ایران استفاده شود، و در مقابل معادل همین مقدار، از طرف ترکمنستان، از جزیره خارک صادر شود.

مزایای دیگر معاوضه نفت (سوآپ) این است که کشورهای حوزه خزر می‌توانند صدور نفت خام خود به بازارهای بین‌المللی را در زمان نسبتاً کوتاهی آغاز کنند و از سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در خطوط لوله‌ای که از کشورهای مختلف می‌گذرد، اجتناب ورزند. در این روش، معاوضه، نیاز به رضایت هیچ طرف سوم نیست و چون ایران استفاده‌کننده نهایی نفت خام خواهد بود؛ وابستگی متقابل بهترین ضمانت برای ادامه پروژه است. علاوه بر آن هزینه‌های پایین‌تر برای تولیدکنندگان، حداکثر درآمد هر بشکه را تضمین می‌کند و ایران نیز می‌تواند هم در هزینه پایین‌تر انتقال نفت و هم در منافع اقتصادی مربوط به ایجاد زیربنای مورد نیاز پروژه صرفه جویی کند. نهایتاً نفت خام خزر در نتیجه استدلال معاوضه، به بازارهای شرق دور که انتظار می‌رود در ۱۰ سال آینده رشد قابل توجهی داشته باشند، صادر خواهد شد. مسیرهای پیشنهادی دیگر که از تنگه بسفر می‌گذرد، نفت را به دریای سیاه منتقل می‌کند. این مسیر هزینه‌های اضافی ایجاد می‌کند و براساس اهمیت ایمنی و زیست‌محیطی، با مخالفت ترکیه مواجه می‌شود. نفتی که به دریای سیاه یا مدیترانه تحویل داده خواهد شد، باید با نفت خام روسیه، عراق، سوریه، مصر، شمال آفریقا و کردهای دریای شمال رقابت کند.

### همکاری ایران و آسیای مرکزی و غربی

بیشتر مطالعات اخیر درباره عرضه و تقاضای جهانی گاز طبیعی در آینده نشان می‌دهد که خاورمیانه و آسیای مرکزی نقش مهمی در تجارت آبی گاز طبیعی خصوصاً در شبه قاره هند، ترکیه، ارمنستان، گرجستان و بخش‌هایی از اروپا ایفا خواهند کرد. در دراز مدت، همکاری میان کشورهای عمده تولیدکننده گاز، اقتصادی‌ترین روش توسعه منابع گاز و ایجاد شبکه‌های انتقال را تضمین می‌کند. کشورهای ایران، ترکمنستان و قزاقستان می‌توانند در توسعه شبکه خطوط لوله‌ای که قادر به حمل گاز از این کشورها به بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای باشند، همکاری کنند. دیگر تولیدکنندگان گاز در خلیج فارس هم می‌توانند از طریق ایران به این شبکه متصل شوند و بدین گونه از توسعه همزمان خطوط لوله و طرح‌های LNG برای بازارهای

یکسان جلوگیری خواهد شد. خلاصه‌ای از مزایای مربوط به این همکاری به شرح زیر است:

۱. این همکاری، شبکه‌ای را ایجاد می‌کند که قادر به دریافت گاز از تولیدکنندگان مختلف و تحویل آن به بسیاری از مصرف‌کنندگان خواهد بود. بنابراین خطر وابستگی مصرف‌کننده به یک تولیدکننده و اتکای تولیدکننده به یک بازار کاهش خواهد یافت.

۲. این روش همچنین مانع سرمایه‌گذاری سنگین و تکراری هر کشور، برای ایجاد خط لوله‌ای جداگانه برای صدور گاز خواهد شد.

۳. اجرای این طرح - منطبق با اهداف زیست محیطی کلیه کشورها - مبتنی بر استفاده از سوخت‌های تمیزتر و حفظ جنگل‌ها خواهد بود. شاید بانک جهانی و سازمان‌های بین‌المللی دیگر هم بیشتر مایل به حمایت از چنین طرحی باشند.

۴. همکاری در زمینه گاز میان این کشورها به رشد اقتصادی منطقه‌ای منجر می‌شود، همچنین همبستگی اقتصادی را ترویج خواهد کرد. در نتیجه به وابستگی متقابل میان کشورها که عنصر حیاتی در صلح و ثبات در این بخش از جهان به شمار می‌رود، خواهد انجامید.

### نقش ایران در شبکه گاز منطقه‌ای

ایران دارای ذخایر عظیم گاز است و مقام دوم را پس از روسیه در جهان داراست. علاوه بر آن، موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران که کشورهای دریای خزر را به کشورهای خلیج فارس پیوند می‌دهد، عامل بزرگی است که باید به آن توجه کرد. از این گذشته، ایران با پاکستان و ترکیه که قرار است در سال‌های آتی از عمده‌ترین واردکنندگان گاز منطقه باشند، مرزهای مشترکی دارد در حال حاضر شبکه خط لوله ایران از سواحل خلیج فارس در جنوب به دریای خزر در شمال امتداد دارد. خطوط لوله موجود شرق به

غرب، از سرخس در مرز ترکمنستان به ارومیه در نزدیکی مرز ترکیه با ایران امتداد می‌یابد. این شبکه خط لوله، از ۴ هزار کیلومتر لوله اصلی (بین ۲۰ تا ۵۶ اینچ) که بیش از ۱۰ هزار کیلومتر خطوط لوله‌ی فشار قوی با ظرفیت حمل بیش از ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز در سال برای مصارف داخلی و تزیین به میدان‌های نفتی تشکیل شده است. از سال گذشته، شبکه گاز ایران به شبکه گاز ترکمنستان متصل شده است و تا زمستان امسال ۱/۵ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان به ایران منتقل خواهد شد. در سال ۱۹۹۸ این مقدار گاز به ۹ میلیارد مترمکعب در سال افزایش خواهد یافت. کشورهای ترکمنستان، ایران و ترکیه نیز طرح وسیعی از شبکه انتقال گاز را در دست مطالعه دارند که نهایتاً ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز را در سال از ترکمنستان به ترکیه عبور خواهد داد. قزاقستان می‌تواند به راحتی از طریق توسعه خطوط لوله موجود و ایجاد خطوط لوله جدید بین قزاقستان و ترکمنستان به این شبکه متصل شود.

قطر نیز می‌تواند به شبکه خط لوله ایران متصل شود. ساخت کمتر از ۱۵۰ کیلومتر خط لوله از میدان‌های دم شمالی (North Dome) قطر به بندر عسلویه، می‌تواند گاز قطر را به این شبکه متصل کند. باید این حقیقت را در نظر داشت که ایران و قطر در میدان نفتی دم شمالی (North Dome) قطر و میدان پارس جنوبی - که بخشی از بزرگ‌ترین ساختار گاز دور از ساحل (offshore) در جهان است - شریک هستند و همین، همکاری در توسعه و بازاریابی گاز بین دو کشور را امکان‌پذیر می‌کند. امکان تنظیم برنامه‌ای بین دو طرف که در آن ایران بتواند گاز را از طریق شبکه خط لوله خود به قطر صادر کند و در مقابل برای مشتریان ایرانی، LNG از قطر تحویل بگیرد، قابل اجراست. ساخت خطوط لوله اضافی نیز برای تکمیل شبکه موجود در ایران، ۴۰ درصد ذخایر گازی جهان را به یکدیگر متصل خواهد کرد. در سال ۱۹۹۴، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، پروژه تمدید خط



لوله از کشورهای آسیایی به اروپا (PEACE) را با هدف همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان گاز ارائه کرد. همه کشورهای منطقه در منافع اقتصادی این پروژه و همچنین در پیشبرد صلح و ثبات مربوط به این همکاری سهیم خواهند بود.

## همکاری برای صادرات گاز به شبه قاره هند، ترکیه و اروپا

اکثر تحلیلگران انرژی موافق این موضوعند که چنانچه خط لوله انتقال گاز به پاکستان، به هند نیز امتداد یابد، معقول ترین و اقتصادی ترین روش تأمین گاز به شبه قاره هند صورت گرفته است. در حال حاضر، چالش های سیاسی این پروژه بسیار قوی است. هر چند می توان استدلال کرد که چنانچه ایران، ترکمنستان و شاید قزاقستان و قطر مشترکاً صدور گاز به پاکستان و هند را برعهده گیرند، منافع سیاسی به طور چشم گیری تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. یک معامله مشترک که همه این کشورها در آن سهیم باشند و منافع قابل توجهی داشته باشند، به امنیت و تأمین گاز - که هم اکنون هندی ها بسیار نگران آن هستند - خواهد افزود. علاوه بر آن، تأمین مالی پروژه توسط منابع مشترک کشورهای دخیل، برای جامعه مالی بین المللی جذاب تر خواهد بود. در واقع کمک و مشارکت محلی به این پروژه نیز بیش از پیشنهاد فعلی صدور گاز از ترکمنستان به شبه قاره هند از راه افغانستان و میدان های دور از ساحل قطر است.

خط لوله گاز ترکمنستان می تواند در نزدیکی زاهدان به خط لوله گاز پیشنهادی ایران - پاکستان متصل شود. ساخت چنین خط لوله ای در زمین های هموار ایران بسیار سریع تر از افغانستان صورت خواهد گرفت. علاوه بر آن، ساختار صنعتی، توانایی مهندسی و نیروی کار مجرب ایرانی ها، تکمیل سریع تر و اقتصادی تر پروژه را تضمین خواهد کرد. ایران و ترکمنستان می توانند مشترکاً نیاز گاز پاکستان را تأمین کنند. این روش مزایای دیگری نیز خواهد داشت، از جمله این که می توان در مراحل اولیه پروژه، گاز آماده ترکمنستان را به پاکستان ارسال کرد و در حالی که سهم گاز ایران رفته رفته همراه با تکمیل شدن پروژه های توسعه گاز در پارس جنوبی افزایش خواهد یافت، کشورهای دیگر می توانند به این طرح ملحق شوند تا این خط لوله برای صدور گاز به هند توسعه یابد. همچنین اگر تولیدکنندگان اصلی گاز منطقه مشترکاً این پروژه را به عهده بگیرند صادرات گاز به ترکیه و اروپا امکان پذیرتر خواهد شد. به محض این که شبکه خط لوله، کار گذاشته شود. صادرات گاز به میزان تعیین شده بین کشورهای تولیدکننده شروع می شود. بدین گونه ایران می تواند بدون به خطر افتادن تعهدات صادراتی خود، از عهده تقاضای داخلی گاز در فصلی که مصرف به حداکثر می رسد، برآید. این همکاری میان کشورها به تأمین هزینه این پروژه ها نیز - که مانع مهمی در گذشته بوده - کمک خواهد کرد. موفقیت این همکاری، بستگی به تمایل حکومت های منطقه و درک کامل آنها از اهمیت و مزایای این پروژه ها دارد. مسائلی که برای اجرای موفقیت آمیز این پروژه ها در منطقه باید در نظر گرفته شود، عبارت است از:

۱. دولت های یاد شده باید ساختار مناسبی برای مشارکت شرکت های نفتی - دولتی، شرکت های بین المللی و بخش خصوصی در این کشورها بیابند. ساختار فعلی قادر نیست این پروژه ها را اجرا کند و برای مشارکت بین المللی و محلی سودمند نیست.
۲. شیوه های نوینی برای فراهم کردن منابع ملی از بازارهای داخلی و بین المللی باید در نظر گرفته شود.
۳. دولت های منطقه باید برای تشویق مشارکت با نهادهای مالی چند جانبه ای مانند بانک جهانی، بانک توسعه اسلامی و بانک توسعه آسیایی همکاری کنند و خواستار «شیوه های ضمانتی نوین» برای تأمین مالی پروژه ها شوند.

ساخت یک بزرگراه، راه آهن و خط لوله ای نفت و گاز که خلیج فارس را به کشورهای آسیای مرکزی و غربی متصل کند، قدم مهمی در

همکاری های درازمدت در منطقه به شمار می رود. بخشی از این جاده، راه آهن و مسیر خط لوله در سال های گذشته ساخته شده است. برای تکمیل و توسعه این تسهیلات تلاش گسترده ای لازم است. البته در صورتی که ساخت جاده، راه آهن و خطوط لوله همزمان آغاز می شد، هزینه ها به نحو چشم گیری کاهش می یافت؛ اما به هر حال این پروژه، پروژه ایده آلی برای شرکت های ساختمانی بزرگ بین المللی خواهد بود. هزینه نقدی این پروژه (نیمی از کل هزینه آن) بیش از چهار میلیارد دلار تخمین زده می شود که این هزینه را می توان از تجارت عظیمی که از این مجموعه به دست می آید، فراهم کرد. تأمین ریالی آن می تواند از راه انتشار اوراق قرضه ی ده ساله ضمانت شده توسط دولت ایران و کنسرسیوم شرکت های خارجی دخیل در پروژه فراهم شود.

## نتیجه گیری

همکاری بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی و غربی در پروژه های نفت و گاز منطقی ترین و اقتصادی ترین راه برای صادرات نفت و گاز از حوزه دریای خزر است. با استفاده از شبکه موجود و ساخت خطوط لوله ی جدید می توان به راحتی معاملات معاوضه نفت (سواب) بین کشورهای ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان را به ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز رساند. وضعیت ایده آل آن است که در مقابل تخصیص صادرات نفت از خلیج فارس، پالایشگاه های ایران بتوانند از نفت کشورهای یاد شده استفاده کنند. این امر باعث می شود که تولیدکنندگان بتوانند قیمت های بهتری برای نفت خود به دست آورند و از صرف میلیاردها دلار هزینه سوخت خطوط لوله دوری کنند. معاملات سواب با ایران، با هزینه های سرمایه گذاری حدود ۵۰۰ میلیون دلار - که نیمی از آن به ریال است - می تواند بازارهای فروش برای ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز از حوزه خزر بیابد. حتی ساخت یک لوله نفتی عظیم از این کشورها به خلیج فارس یا دریای عمان، در مقایسه با دیگر مسیرهای پیشنهادی، مزایای سیاسی و اقتصادی بهتری دارد. چنانچه تلاش های ایالات متحده برای تشویق شرکت ها در کنار گذاشتن ایران به نتیجه برسد، بی هیچ تردیدی کشورهای منطقه خزر، بهای آن را خواهند پرداخت. همکاری بین ایران، ترکمنستان و قزاقستان در زمینه گاز، برای کلیه طرف ها نیز مزایایی دربردارد. تخمین زده می شود که تا سال ۲۰۱۰ تقاضای گاز در هند و پاکستان بین ۴۰ تا ۷۰ میلیارد مترمکعب در سال باشد این تقاضا در صورت عرضه بهینه تا حد زیادی افزایش می یابد. همچنین تا سال ۲۰۱۰ تقاضای سالانه گاز طبیعی در ارمنستان، ترکیه و گرجستان ۳۰ تا ۴۰ میلیارد مترمکعب و در اروپای مرکزی و جنوبی ۱۰ میلیارد مترمکعب خواهد بود. کشورهای صادرکننده گاز در منطقه باید به دنبال تصرف این بازارها باشند و همکاری بین آن ها آسان ترین، سریع ترین و کم هزینه ترین راه برای صادرات گاز به این بازارها خواهد بود.

دیگر کشورهای صادرکننده گاز منطقه نیز برای صادرات گاز به پاکستان و هند در شرق و ترکیه، ارمنستان، گرجستان و بخشی از اروپا در غرب، باید سرانجام به ایران و ترکمنستان بپیوندند. برای تحقق این اهداف، حکومت های کشورهای دخیل، به ویژه ایران که در مرکز این پروژه قرار دارد، باید تلاشی جدی در تصویب قانون های ضروری برای تشویق سرمایه گذاران خارجی به مشارکت در این پروژه ها، به عهده بگیرند. به علاوه دولت ها برای اطمینان یافتن از این مطلب که تمام عوامل حکومت، شناخت کاملی از این پروژه دارند و در جهت اجرای آن همکاری می کنند، باید فعالیت های سیاسی هماهنگی را آغاز کنند. و سرانجام، دولت ها باید مشترکاً به نهادهای مالی بین المللی برای کسب حمایت آنان در این خصوص، نزدیک شوند. اگر همه چیز خوب پیش برود، رؤیای پروژه PEACE توسعه خطوط لوله از کشورهای آسیایی به اروپا که اولین بار توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی پیشنهاد شد، می تواند به واقعیت بپیوندد.